

مبانی و اصول عدالت علوی در مواجهه با بزه دیده با تاکید بر بزه دیدگی ساختاری

محمدعلی حاجی ده‌آبادی* موسی عسکری**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

چکیده

از جمله مباحث مهم و مطرح در بزه‌دیده‌شناسی چگونگی مواجهه با بزه‌دیده است که بر حسب نقش و سهم او در وقوع بزه رقم می‌خورد و براین اساس رهیافت‌های مهمی را در عدالت کیفری رقم می‌زند. واکاوی این مهم در عدالت علوی که در گفتار و سیره عملی امام علی علیه السلام تجلی یافته موضوع مقاله حاضر است که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که اموری همچون اهتمام به کرامت انسانی، تامین حقوق بزه‌دیده به عنوان تکلیف الهی، توجه به بزه‌دیده به عنوان وظیفه اجتماعی و حمایت از بزه‌دیده گان مظلوم به مثابه یک ارزش، مبانی و واقعیاتی است که مواجهه موثر با بزه‌دیده را ضروری می‌سازد. از سوی دیگر این مواجهه باید بر اساس بایسته‌ها و اصولی همچون عدالت محوری، احسان مداری، مددکاری و ظلم ستیزی صورت گیرد تا اثربخشی لازم را داشته باشد.

کلیدواژه‌ها:

مبانی، اصول، عدالت محوری، امام علی علیه السلام، بزه‌دیده، حمایت از مظلوم، احسان مداری.

dr_hajidehabadi@yahoo.com

*. دانشیارگروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم.

askari.mosa1395@gmail.com

** . دانشجوی دکترا مجتمع آموزش عالی علوم انسانی جامعه المصطفی العالمیه قم ایران.

مقدمه

بزه‌دیده شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادین خود دچار شده باشد. (اصلی، ۱۳۹۰، ص ۱۸). بزه‌دیده‌شناسی، زیر شاخه علوم جنایی و مرتبط با حوزه جرم‌شناسی است که بیش از چند دهه از تاسیس آن نمی‌گذرد.

مباحث بزه‌دیده‌شناسی از یک چشم‌انداز کلی در دو ساحت دنبال می‌شود نخست نقش بزه‌دیده در وقوع جرم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که از آن به بزه‌دیده‌شناسی نخستین و یا علمی تعبیر می‌شود. ساحت دوم بزه‌دیده‌شناسی حمایتی است که چگونگی حمایت از بزه‌دیدگان برای پیشگیری از تکرار و کاهش نرخ جرم و از این رو تامین هرچه بیشتر امنیت اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. روشن است که این ساحت به شدت مرتبط با ساحت نخست است. در هر حال مواجهه مؤثر با بزه‌دیدگان و تأمین حقوق آنان امروزه امری پذیرفته شده در سطح جهانی است که در کنوانسیون‌ها و مقررات بین‌المللی نیز انعکاس یافته است. واکاوی این مهم در منابع سیاست جنایی اسلام امری حایز اهمیت است زیرا اسلام بر عدالت کیفری آمیخته به اصول و ارزشهای اخلاقی تاکید دارد و چنین عدالتی را پیشگیرنده و کاهنده از جرایم می‌داند.

مقاله حاضر این بحث مهم را در گفتار و رفتار امام علی علیه السلام در دو حیطة مبانی و اصول مورد بررسی قرار می‌دهد. سیره حقوقی علوی در همه حوزه‌های عدالت کیفری جای بحث و بررسی دارد چه پس از حکومت نبوی تنها امامی که فرصت و مجال حکومت هرچند برای اندک زمانی یافت امام علی علیه السلام می‌باشد؛ با این وجود ابعاد گوناگون عدالت علوی کمتر مورد پژوهش قرار گرفته است. در حوزه مبانی و اصول مواجهه با بزه‌دیده نیز پژوهشی دیده نمی‌شود. اگرچه عناوین دیگری مورد تحقیق واقع شده است، مثلاً پایان‌نامه‌ای با عنوان بزه‌دیده‌شناسی در نهج البلاغه توسط حسن مختاری در دانشگاه قم، پایان‌نامه‌ای با عنوان پیشگیری از جرم از منظر نهج البلاغه توسط روح‌الله سبحانی در دانشگاه پیام‌نور، پایان‌نامه‌ای با عنوان حقوق بزه‌دیده در نظام حقوق کیفری اسلام و حقوق ایران توسط عباسعلی فخر آرا در جامعه‌المصطفی العالمیه ولی دو حوزه مبانی و اصول مواجهه با بزه‌دیده را مورد بررسی قرار نداده‌اند. در این مقاله کوشش بر این است که مبانی و اصول عدالت علوی در مواجهه با بزه‌دیده با استفاده از منابع اولیه روایی و تاریخی مورد بررسی قرار گیرد،



۱. مبانی مواجهه با بزه دیده در سیره امام علی علیه السلام

مبنا در فارسی بمعنی اساس و پایه است. (دهخدا، ج ۴۳، ص ۲۳۶) مبنا در لغت عرب از «بنی» بر ستون و پایه اطلاق می شود، بر اضلاع و استخوان های سینه از آن جهت که نقش ستون را دارد بوانی گفته می شود. (زمخشری، ۱۹۷۹م، ص ۵۲) اما در اصطلاح تعاریف متفاوتی از آن ارایه شده است و البته برحسب اینکه از مبناى چه چیزی سخن می گوئیم معنای متفاوتی اراده می شود، مثلاً در تعریف مبانی علوم گفته شده: «مجموعه مباحثی که به خودی خود از جنس علم مورد نظر نیستند؛ اما تعیین تکلیف در آن ها به نوبه خود در علم مورد نظر موثر خواهد بود.» (حقیقت، ۱۳۸۵، ص ۳۷). وقتی از مبناى حقوق سخن به میان می آید در واقع در صدد پاسخ به این سوال هستیم که: چرا به قانون عمل کنیم و به خاطر چه محدودیت ها را بر خود تحمیل کنیم؟ همان جاذبه و یا نیروی که فرد را به رعایت قانون وادار می کند و جواب آن چراها مبناى حقوقی است. (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۱۹). در واقع مبنا ناظر به آن دسته از واقعیات و حقایق و ارزشهایی است که وجود یک پدیده و یک امر را ضروری می سازد. به بیان دیگر می توان مبنا را آن پایه های اصلی که انسان تمام رفتار خود را به خاطر آن انجام می دهد، و به نوعی نقش انگیزه را برای انجام بایدها و نبایدها دارد، دانست، بر این اساس مقصود از مبانی مواجهه با بزه دیده آن واقعیات و حقایق و ارزشهایی است که نوع مواجهه خاصی با بزه دیده را ضروری می سازد. بخشی از این مبانی نوع نقش بزه دیده در وقوع جرم است (واقعیات) بخشی دیگر مبانی ارزشی همچون حمایت از مظلوم و کرامت انسانی است که در ادامه مورد بررسی قرار می دهیم.

۱-۱ حمایت از مظلوم

مظلوم یعنی ستم دیده، ستم رسیده، کسی که به او ظلم و تعدی شده است. (عمید، ۱۳۷۸ ص ۱۰۹۹) حمایت از مظلوم رکن عدالت علوی است که هم در گفتار و هم در رفتار امام علی علیه السلام نمایان است. امام علیه السلام در وصیتی که به فرزندان اش امام حسن و امام حسین علیهم السلام دارد می فرماید: « دشمن ستمکار و یاور ستمدیده باشید.» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۵۹)؛ ستم دیده یعنی مظلوم و در این بیان به صورت روشن امر به حمایت از مظلوم گردیده است، لذا می توان از این بیان امام علی علیه السلام استفاده کرد، که واکنش و نوع برخورد با بزه دیده، مبتنی بر یک اصل و پیش فرض - حمایت از مظلوم - است.



در سال ۳۵ هجری بعد از آنکه همه با امام علیه السلام بیعت نمودند، امام خطبه‌ای ایراد نمود و فرمود: «ای مردم برای اصلاح خود مرا یاری کنید به خدا سوگند که داد ستمدیده را از ظالم بستانم و مهار ستمگر را بگیرم و به آبخور حق وارد سازم، گرچه تمایل نداشته باشد.» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۵)

امام در خطبه‌ای که در کوفه ایراد نمود فلسفه و هدف از حکومت خویش را برای مردم این گونه تبیین کرد: «حکومت را قبول کردم تا اینکه بندگان ستمدیده‌ات در امن و امان زندگی نمایند.» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۹)

از امام علی علیه السلام نقل شده است: بهترین دادگری به فریاد ستمکش رسیدن است. (انصاری، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۲) در جای دیگر نیز فرمود: کسی که با وجود توان و قدرت حق ستمدیده را از ستمگر نگیرد، گناهش اش بزرگ است. (همان، ج ۲، ص ۶۷۸) این گونه از توصیه‌ها در حمایت از مظلوم منسوب به امام علی علیه السلام فراوان است که ظهور روشن دارد بر اینکه حمایت از ستمدیده و مظلوم از ارزش و جایگاه خاص نزد امام بر خوردار بوده است. در علم بزه‌دیده شناسی نیز حمایت از مظلوم به عنوان مبنای فلسفی و ایدئولوژیک حقوق بزه‌دیده، از سوی برخی اندیشمندان مورد توجه واقع شده است. (توجهی، ۱۳۸۷، ص ۲۷) پس در مجموع می‌توان گفت که حمایت از مظلوم یکی از مبانی مواجهه با بزه‌دیده در اندیشه امام علی علیه السلام است.

۱-۲- اهتمام به کرامت انسانی

کرامت یعنی بزرگی ورزیدن، جوان مرد بودن و ارجمندی (عمید، ۱۳۷۸، ص ۹۶۸)؛ کرامت انسانی آن بزرگی و ارزش انسانی و شایستگی‌هایی است که باعث استحقاق حقوق انسانی و استفاده از نعمت‌ها می‌شود. در لسان منابع دینی نیز کرامت به مفهوم بزرگی است، در قرآن کریم می‌فرماید «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (الاسراء (۱۷): ۷۰) در این آیه مبارکه سخن از کرامت آدم و اولاد آدم می‌باشد. مفسرین می‌گویند، بنی آدم گرامی داشته شد و کرامت داده شد به انواع از کرامات و نعمت‌ها. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۶۱) امام علی علیه السلام به عنوان رهبر جامعه اسلامی، توجه خاصی را به حفظ کرامت انسانی مبذول می‌داشت، ارزش‌های انسانی و حقوق والای شهروندی و احترام به انسانیت که در اندیشه امام علی علیه السلام موج می‌زند، در هیچ قانون بشری مدرن و اعلامیه قابل مشاهده نیست. برخی از



نویسندگان مهمترین جلوه‌های کرامت انسانی درسیره امام علی علیه السلام را در سه شاخصه برابری، حفظ عزت نفس انسانی و احترام به شخصیت انسان می‌بینند. (علیخانی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۵)

برابری و تساوی، همه انسان‌ها در همه حقوق انسانی بدون توجه به نژاد، زبان، رنگ پوست و جنسیت برابر است. امام علی علیه السلام در منشور حکومت داری خود که در نامه ۵۳ به مالک اشتر والی خودش در مصر می‌نویسد می‌فرماید: مبدا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا آنان دو دسته‌اند، دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته همانند تو در آفرینش می‌باشند. (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۶۷) در این بخش نکته جالب وجود دارد با اینکه مسلمان و غیر مسلمان در برخی حقوق متفاوت است؛ اما امام دستور داده که نباید به بهانه غیر مسلمان بودن کرامت انسانها از بین برود. ابی اسحاق همدانی روایت کرده‌است: دو زن به هنگام تقسیم بیت المال نزد علی علیه السلام آمدند، یکی از آن دو عرب بود و دیگری غیر عرب، امام به هر کدام بیست و پنج درهم و پیمانانه بزرگ گندم داد. زن عرب گفت ای امیرالمؤمنین! من زنی از عربم و این زنی از عجم؟ علی علیه السلام فرمود: به خدای سوگند که من در این مال عمومی هیچ برتری برای فرزندان اسماعیل نسبت به فرزندان اسحاق نمی‌بینم. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۱۰۷)

این روایت بیانگر برابری انسان‌ها در حقوق است، منسوب بودن به طبقه پایین جامعه باعث محروم بودن از حقوق انسانی نیست، کرامت انسانی مقتضی بهره‌مندی از حقوق مساوی است این برابری در اندیشه امام علی علیه السلام، زمانی مطرح می‌شود که فرهنگ تبعیض بخاطر کم توجهی خلفای گذشته تبدیل به ارزش شده بود؛ حتی نزدیکان امام نیز قبول کرده بود، روزی ام‌هانی خواهر امام علی علیه السلام نزد امام آمد برای گرفتن سهمیه خود، امام به وی ۲۰ درهم داد و بعد کنیز عجمی ام‌هانی آمد، امام به او هم بیست درهم داد، ام‌هانی به خاطر این تساوی اعتراض کرد، و امام در جواب فرمود که در قرآن فضیلتی برای عرب نسبت به عجم ندیدم. (جعفریان، ۱۳۸۸، ص ۳۷)

این برابری را امام بعد از بیعت نمودن مسلمانان با وی، به عنوان یک اصل در حکومت خود اعلام کرد، روزی طلحه و زبیر بر امام اعتراض کرد که در تقسیم بین ما، که در راه اسلام مجاهدت و سابقه داریم، با تازه مسلمان‌ها فرقی قابل نشدی، در حالی که در زمان خلافت عمر تفاوت بود، امام فرمود سابقه شما در اسلام و جهادتان اجرش با خداوند است؛ اما در بهره‌مندی از بیت المال امتیاز



برای کسی نیست، زیرا رسول خدا ﷺ برای سابقون امتیاز قایل نبود و همه برابر بودند. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۴۱) تمام این روایات بیانگر برابری انسانها در حقوق و کرامت انسانی است و نادیده گرفتن آن توسط زمامداران منجر به بزه‌دیدگی ساختاری می‌شود بزه‌دیدگی که ریشه در ساختار حکومت و نگرش حاکمان دارد.

احترام به عزت نفس و شخصیت هر انسان: شاخصه مهم دیگر سنجش کرامت انسانی در یک جامعه است، در سیره امام علی علیه السلام، کوچک‌ترین رفتاری که در تنافی با عزت و شخصیت انسانی باشد، ممنوع شده‌است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: « شنیده‌ام به خانه‌های مسلمانان و کسانی که در پناه اسلامند تهاجم شده و گردن‌بند، دست‌بند، گوشواره و خلخال از گردن، دست و پای زنان به در کرده‌است در حالی که آن ستم‌دیدگان برابر متجاوزان جز زاری و رحمت خواستن سلاحی نداشته‌اند، سپس غارت‌گران پشتواره‌ها از مال مسلمانان بسته نه کشته برجای گذاشته و نه خسته به شهر خود بازگشته، اگر از این پس مرد مسلمان از غم چنین حادثه بی‌میرد چه جای ملامت است؟» (شهیدی، ۱۳۷۸، ص ۷۲) در این فرمایش امام تاسف به خاطر از بین رفتن، احترام و عزت نفس انسان است و کافر ذمی بودن باعث نمی‌شود که به بزه‌دیدگی وی توجه نشود.

احترام به شخصیت انسانی در هر حال شاخصه دیگری در سنجش کرامت انسانی است: این مهم از بیانات و توصیه‌های امام به سپاهیان، به خوبی قابل استنباط است، گفته می‌شود امام در هر جنگ که رو برو می‌شد بر لشکریان خود آداب جنگ را بیان می‌کرد، از جمله در صفین فرمود: « وقتی در جنگ دشمن را شکست دادید گریزنده را نکشید و مجروح را از بین نبرید و عورتی را برهنه نکنید و کشته را مثله نکنید و اگر به قرارگاه وارد شدید پرده‌ای را ندزید و به هیچ زنی آسیب نرسانید.» (منقری، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۰۳) در حقیقت مواقع و برهه‌هایی وجود دارد که به سبب غلبه احساسات امکان بزه‌دیدگی افراد بیشتر است از جمله این زمانها زمان مقابله با اغتشاشگران و شورشیان و نیز زمان جنگ است. امام علیه السلام به این نکته توجه می‌دهد که دشمن بودن افراد نباید باعث نادیده گرفتن حقوق انسانی آنها و کرامت انسانی شان شود. وقتی در صحنه جنگ و مقابله با دشمن چنین توصیه می‌شود به طریق اولی در مواجهه با مجرمانی که در جنگ نیستند چنین باید کرد خاصه اینکه بزهکار هرچند بزهکار است ولی بر مبنای نگرش اسلامی خود بزه‌دیده است زیرا که بزرگترین زیان ناشی از بزه، متوجه بزهکار



است. (حاجی ده آبادی و حایری، ۱۳۸۹، ص ۳۳) از طرف دیگر وقتی شخصیت انسانی بزهکار این قدر مورد توجه و احترام باشد بدون شک شخصیت انسانی بزه‌دیده به طریق اولی مورد احترام است. نکته مهم اینکه اگر کرامت انسانی بزه‌دیده مورد توجه نباشد این خود باعث بزه‌دیدگی ثانوی او می‌شود امری که امروزه در علم بزه‌دیده شناسی مورد توجه است. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰، ص ۵۲) این نوع از نگرش به کرامت انسانی که در اندیشه امام علی علیه السلام موج می‌زند، بی نظیر است.

۱-۳ توجه به بزه‌دیده بعنوان تکلیف الهی

از ویژگی های امام علی علیه السلام بندگی و سر سپردگی اش در برابر خداوند، است امام علی علیه السلام، مومن به معنی واقعی کلمه است و تمامی رفتارها و توصیه‌هایش مبتنی بر تکلیف مداری اوست. از جمله مصادیق تکلیف الهی توجه به بزه‌دیده به عنوان کسی است که در حق او ستم شده، و آسیب و زیان دیده و متضرر شده است، و ما مکلف به حمایت از او می‌باشیم، نمونه‌هایی از کلمات امام و نیز رفتار امام با بزه‌دیدگان در ادامه می‌آید.

امام در روزهای اول حکومت داری خود جملات ارزنده را بیان نموده‌است. در فراز از بیان امام آمده: اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم بارگی ستمگران، و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را رهایش می‌ساختم. (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۴۹) با توجه به جملات و واژه‌هایی که امام در این بیانیه به کار برده‌است، به دست می‌آید که حمایت از مظلوم، تکلیف از جانب خداوند است که در ذمه‌ای اشخاص مانند علی علیه السلام گذاشته شده‌است.

در این بیان در واقع حمایت از مظلوم_ به عنوان بزه‌دیده_ تعهدی الهی است که خداوند از دانشمندان و بندگان صالح خود اخذ نموده‌است، بر اندیشمندان جایز نیست که در برابر ظلم سکوت کنند و از مظلومین حمایت نکنند. این مسئولیت بر عهده دانشمندان می‌باشند. (خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۳، ص ۱۱۲).

یا به تعبیر دیگر این فراز از خطبه هشدار است برای همه علماء، سکوت شان در برابر ظلم و عدم حمایت از مظلوم جایز نیست، و باید قیام کنند و برای بسط عدالت و اجرای فرمان خدا، مبارزه با ظالمان را شروع نمایند. آن‌های که می‌پندارند تنها با انجام فرائضی مثل نماز، روزه و پاره از مستحبات وظیفه خود را انجام داده‌اند، سخت در اشتباهند، زیرا اجرای عدالت و حمایت از مظلوم و مبارزه با



ظلم ظالم، نیز در متن وظایف دینی آنان قرار دارند. (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۹۹) از این فرمایش امام، می‌توان بدست آورد که حمایت از بزه‌دیدگان در واقع تکلیف الهی است، که خداوند از بندگان صالحش به خصوص دانشمندان و علما خواسته است. بعضی در مورد این فرازی از بیان امام می‌گوید: ایستادگی در برابر هر منکر واجب است، به خصوص زمانی که همکار و حامی، برای این امر موجود باشد، و زمینه‌اش فراهم باشد، و یکی از منکرات ظلم است و رفع ظلم و حمایت از مظلوم تکلیف است که خداوند بر ذمه علما و دانشمندان، گذاشته است. (مغنیه، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۹۸)

اما اینکه خداوند چرا حمایت از مظلومین را به عنوان تکلیف بر ذمه اهل علم گذاشته است؟ علتش درک و شعور بلندی دانشمندان است، یعنی دانشمندان بخاطر دانش خود می‌تواند مشکلات و مظلومیت افراد را احساس کنند، لذا در برابر خداوند مسئولیت و تعهد دارند که صدای مظلومین شوند و فریاد و ناله‌های بزه‌دیدگان و آنهایی که قد شان زیر فشار ستم، خمیده‌اند را به دیگران برسانند، پس بخاطر اهلیت داشتن برای درک و احساس، مسئولیتی بزرگتر در مقابل خداوند دارند. (أصفی، ۱۴۲۶ق، ص ۴۶)

قضیه دیگری که می‌تواند شاهد باشد بر تکلیف الهی بودن توجه به بزه‌دیده در سیره پیشوای عدالت، واکنش امام علی علیه السلام است در برابر شکایتی سوده همدانی از فرماندار امام علی علیه السلام. سوده همدانی خانمی از قبیله همدان که در جنگ صفین حضور داشت و با اشعار خود مردم و قبیله خود را در حمایت از امام علی علیه السلام تحریض می‌کرد و سروده‌های حماسی‌اش، در منابع تاریخی موجود است. بعد از شهادت امام علی علیه السلام و تسلط معاویه در شهرهای مختلف، بسر بن اریطاه والی معاویه ظلم‌های زیاد را مرتکب شد، روزی سوده نزد معاویه رفت و معاویه اول به او طعنه زد، که رشادت‌ها و جان‌نثاری تو و قومت را در روز صفین و محبت قومت به علی علیه السلام را از یاد نبردم، و سوده با کمال افتخار اعتراف کرد، و بعد معاویه گفته حاجت چیست؟ سوده گفت، والی را که بر شهر ما فرستادی، بر من و قوم من ظلم می‌کند، باید ظلم وی را از سر ما کم کنی، معاویه تنها خود سوده را از ظلم بسر امان نامه داد؛ اما معافیت قوم همدان را قبول نکرد، سوده در ضمن شعری گفت: عدالت با علی علیه السلام دفن شد، بعد حکایت نمود، زمانی که علی علیه السلام خلیفه مسلمین بود، والی‌اش با مردم رفتار مناسب نداشت، من بخاطر شکایت خدمت علی علیه السلام آمدم، دیدم که نماز می‌خواند، وقتی نمازش تمام شد با کمال مهربانی گفت چه حاجت داری؟ بعد من خبر خود را که همانا شکایت از فرماندار امام بود گفتم،



و علی علیه السلام گریه نمود «ثم قال اللهم انت الشاهدُ علیّ وعلیهم، انّی لا آمرهم بظلم خلقک ولا بترک حکک» خدا یا تو شاهد هستی بر من و بر فرستادگانم من آن‌ها را دستور به ظلم نمودن، بر خلق تو نکردم. و بعد پوست را از جیب خود بیرون کرد و آن والی را عزل نمود. معاویه وقت این داستان را شنید، نامه به والی خود نوشت که در آن سوده و قوم همدان از هر نوع ظلم و تعدی معاف شده بودند. (کوفی، ۱۹۹۱م، ج ۳، ص ۵۹)

در این داستان وقتی امام این تظلم خواهی و شکایت را می‌شنود، در واقع امام دو واکنش نشان می‌دهد که هر دو درس آموز است. یکی در مقابل سوده که شکایت کرد و امام، فرمان عزل والی را صادر کرد. دوم ترس از خدا و اینکه امام در مقابل خداوند مسئولیت و تعهد و تکلیف دارد، تا به کسی ظلم نشود و اگر ظلم شود زمامدار مسئول است، زیرا امام می‌گوید خدا یا در انجام تکلیف خودم کوتاهی نکردم، یعنی من در این ظلم شریک نیستم. قبول درخواست و عزل والی در واقع توجه به سوده همدانی، به عنوان بزه‌دیده می‌باشد.

۴-۱ توجه به بزه‌دیده بعنوان وظیفه اجتماعی هر انسان

انسان در جامعه که زندگی می‌کند، تبعاً منافع مشترک و دردهای مشترک دارد، و زمانی جامعه به سامان می‌رسد که تمام افراد جامعه در مقابل منافع و مشکلات جمعی ادای مسئولیت نمایند. از جمله مشکلاتی که در واقع مربوط به جمع می‌شود و تکلیف جمعی است، دفع منکرات مثل ظلم می‌باشد، دفع ظلم و حمایت از مظلوم اقدام جمعی را می‌طلبد در غیر آن، اقدامات فردی خیلی موثر نخواهد بود، در دین مقدس اسلام مسایل زیادی وجود دارد، که تکلیف و مسئولیت با اقدام جمعی قابل امتثال است، و امام علی علیه السلام به عنوان شخص مقید به آموزه‌های اسلام و زمامدار مسلمین، اهتمام ویژه‌ای به این نوعی از تکالیف دارد؛ بلکه مسئولیت ایشان سنگین‌تر از بقیه افراد احساس می‌شود زیرا که امام علی علیه السلام به مرتبه بلندی، از انسانیت رسیده است.

امام در نامه ۵۳ به مالک اشتر در مورد محرومان جامعه توصیه می‌کند، می‌فرماید که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم فرمود: ملتی که حق ناتوانان را از زور مندان بی اضطراب و بهانه باز نستاند، رستگار نخواهند شد. (دستی، ۱۳۷۹، ص ۵۸۳) این روایت را امام علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند، بدون شک تمام رفتار و گفتار امام علی علیه السلام گرفته شده از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. نکته‌ای که قابل



تذکر است کلمه امت در بیان امام آمده، یعنی ملت و در رأس آن والی و حاکم، اگر یاور مظلوم و بزه‌دیده نباشد و حقوق وی را از ظالمین نگیرد سر فراز نیست، در واقع اشاره است که در جامعه که ظلم وجود داشته باشد، مظلومین زیر پا لگد مال شوند، بقیه افراد جامعه فقط منفعت و سلامت شخصی خود را فکر کند، اولاً مسئولیت اجتماعی وجدانی خود را ادا نکرده، دوماً که این ظلم روزی به او هم خواهد رسید، زیرا اجتماع سر نوشت مشترک دارد و پیکر واحد است، اگر فساد دامن‌گیر فردی از جامعه شود همه باید برای دفع آن اقدام کند و الا دامن‌گیر همه خواهد شد. حمایت از بزه‌دیدگان و مظلومین بعنوان وظیفه اجتماعی هر انسان به خصوص افراد مثل امام علی علیه السلام ارزش دارد، امام در برابر آن کوتاهی نکرد؛ تا اینکه باعث شهادت وی شد.

در واقع این تاثیر اعتقاد توحیدی است که اجتماع در نظر انسان مومن مثل خانواده‌ای می‌ماند که همه ایده و عقیده واحد دارند، اگر اینگونه اعتقاد در بین همه افراد جامعه حاکم باشد، دیگر تعدی و ظلم از بین می‌رود، خود خواهی‌ها از بین می‌رود، و همه افراد جامعه پیکر واحد حساب می‌شود، طبیعی است که هر فرد در مقابل ستم‌دیدی عضو از جامعه، ساکت نمی‌ماند، بلکه در مقابل آن واکنش نشان می‌دهد. (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۵۷)

امام علی علیه السلام مصداق بارز موحد و مومن واقعی است. حرف از مسئولیت اجتماعی می‌زند، نسبت به مسئولیت اجتماعی مردم را هشدار می‌دهد؛ اما کسی احساس مسئولیت نمی‌کند، لذا از مردم شکایت می‌کند و حتی آرزوی مرگ می‌کند. بعضی از نویسندگان می‌گویند علت اینکه امام آرزوی مرگ می‌کند، نا هماهنگی مردم کوفه است، و عدم احساس مسئولیت در مقابل نا برابری‌ها و انواع ظلم که در جامعه واقع می‌گردید. در واقع دل امام علی علیه السلام خیلی از هم چون مردم درد دارد، احساس مسئولیت و وجود هماهنگی در مسایل اجتماعی در مرام امام علی علیه السلام، از ارزش والای برخوردار است. (شهیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۳) علی علیه السلام که این قدر مردم را برای اداء مسئولیت اجتماعی تشویق می‌کند، بیانگر این است که این مسئولیت در اندیشه امام علی علیه السلام خیلی مهم بوده‌است، بخش از مسئولیت اجتماعی مربوط به انواع نا برابری و ظلم‌های است، که در یک جامعه واقع می‌شود، که باید از مظلومین و بزه‌دیدگان حمایت شود. پس به روشنی ثابت است که مسئولیت اجتماعی می‌تواند یکی از مبانی حمایت از بزه‌دیده باشد.

۱-۵- حمایت از بزه دیده یک ارزش اصیل

از جمله مباحث بسیار مهمی که تاکنون چندان مورد واکاوی دقیق قرار نگرفته است سلسله مراتب ارزشها از منظر اسلام است اهمیت این امر از آنروست که منطق بسیاری از احکام اسلام را روشن می کند و از سوی دیگر راهکارهایی برای حل بسیاری از مشکلات جامعه اسلامی فراهم می یابد. مثلا در نظر امام علی علیه السلام حکومت یک ارزش ذاتی ندارد؛ اما دفاع از مظلوم و حمایت منطقی از بزه دیده یک ارزش پایه ای است. عبدالله ابن عباس نقل می کند: در سر زمین ذیقار خدمت امام رفتم، داشت کفش خود را پینه می زد، تا مرا دید فرمود: قیمت این کفش چقدر است؟ گفتم بهایی ندارد، فرمود بخدا سوگند همین کشف کم ارزش نزد من، از حکومت بر شما محبوب تر است، مگر اینکه حق را با آن به پا دارم، یا باطلی را دفع کنم، آنگاه از خیمه بیرون آمد برای مردم خطبه خواند. (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۸۵) اساسا از منظر امام علی علیه السلام حکومت همواره یک ارزش تبعی دارد و بر همین اساس زمانی ارزشمند است که بتواند امنیت لازم را برای شهروندان -امنیت به مثابه یک ارزش - فراهم آورد.

امام در برابر شعار خوار فرمود: سخنی حق است که از آن اراده باطل شده است، آره درست است که فرمان جز فرمان خدا نیست؛ ولی اینها می گویند زمامداری، جز برای خدا نیست، در حالی که مردم به زمامدار نیک یا بد، نیازمندند تا ... و حق ضعیفان از نیرومندان گرفته می شود، نیکو کاران در رفاه و از دست بد کاران، در امان می باشند. (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۹۳) بر همین اساس تدابیر پیشگیرانه در راستای صیانت از بزه دیدگی افراد به عنوان جلوه و نمادی از امنیت ضرورت می یابد.

امام علی علیه السلام در یکی از خطبه هایش وقت فلسفه حکومت اسلامی را بیان می کند، می فرماید: خدایا تو میدانی که جنگ و درگیری ما بخاطر بدست آوردن قدرت و حکومت دنیا و ثروت نبود، بلکه می خواستیم نشانه های حق و دین تو را به جایگاه خویش باز گردانیم، و در سر زمین های تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم دیده ات در امن و امان زندگی کنند. (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۹) یکی از فلسفه های حکومت و قبول بیعت حمایت از بزه دیدگان و مظلومین جامعه است یعنی در واقع ارزش حکومت و به دست گرفتن قدرت برای حمایت از بزه دیده و مظلوم است و در صورتی که تامین امنیت نشود باید حمایت از بزه دیده شود. لذا حمایت از بزه دیده یک اصل اساسی است.

۲. اصول مواجهه با بزه‌دیده در سیره امام علی علیه السلام

اصل در فارسی بیخ، بن، ریشه و بنیاد هر چیزی را گوید و جمع آن اصول است. (عمید، ۱۳۷۸، ص ۱۵۸) نیز به معنای قاعده و قانون آمده است. اصل و قانون دو لفظ مترادفند که عبارت از کلی است که بر همه اجزایش منطبق شود. (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۷، ص ۲۸۲۲) همچنین گفته شده: اصل در هر علم عبارت از قواعد اساسی ای که آن دانش بر آن استوار هست، می‌باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۱۶) در اصطلاح فقهاء و اصولیون: اصل بر قاعده کلی و جامعی اطلاق می‌شود که تمام موضوعات جزئی را بصوت بالقوه و بالفرض شامل شود و آن جزئیات از این قاعده استخراج شود و فرع بر این کلی باشد. (تھاونی، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۲۱۳) در بحث حاضر منظور از اصول نیز قاعده‌ای است که بر تمام اجزایش قابل تطبیق باشد مثلاً هرگونه واکنش در برابر یک بزه‌دیده نباید خارج از عدالت محوری، احسان مداری، مددکاری و ظلم ستیزی باشد، که در ادامه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۲ عدالت محوری

عدالت از جمله اصول اساسی در مکتب علوی است. به خصوص حکومت امام علی علیه السلام که عادل‌ترین حکومت در تاریخ اسلام بلکه در تاریخ بشریت شناخته شده است. (رزق، ۲۰۰۱م، ص ۷۰) اهمیت عدالت محوری به سبب کارکردها و آثار مهم آن است و در سخنان امام علی علیه السلام به آن اشاره شده است. امام می‌فرماید: «در عدالت گشایش برای عموم است، و آن کس که عدالت برای او گران آید، تحمل ستم بر وی سخت‌تر است.» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۹) در جای دیگر عدل را موجب اصلاح امور جهان می‌داند: «عدالت جهان را اصلاح می‌کند.» (نوری، ۱۴۰۷ق، ج ۱۱، ص ۳۱۸) و موجب فضیلت و برتری پادشاه می‌شود. (همان) عدالت قوی‌ترین اساس هاست. (همان).

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که امام علی علیه السلام به خلیفه دوم فرمود: «سه چیز است که اگر آنها را در نظر داشته باشی و به آنها عمل کنی تو را از پرداختن به امور دیگر بی‌نیاز می‌کنند و اگر آنها را فرو گذاری، چیزی دیگری برای تو سودی نخواهد داشت. پرسید ای ابوالحسن آنها چیست؟ فرمود: برپا داشتن حدود بر کسان دور و نزدیک، حکم کردن طبق کتاب خدا در حال خصمانگی و خرسندی و تقسیم کردن عادلانه اموال بین سرخ و سیاه.» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۲۷)

امام در این فرمایش خود به سه مساله کلیدی اشاره می‌کند، اجرای حدود الهی، یعنی در برابر قانون باید همه مساوی باشد فرق نمی‌کند پسر خلیفه باشد یا یک انسان اجنبی و بدون نام و نشان،



زیرا عدالت اجتماعی همین را مقتضی است، اگر حدود و مجازات‌ها تنها بر انسان‌های دور، تطبیق شود نزدیکان و آن‌های که با زمامداری رابطه دارد، معاف باشد دیگر از عدالت خبری نیست، بلکه هرج و مرج بر جامعه انسانی حاکم خواهد شد.

روایت شده که شخصی یهودی زرهی را نزد امام دید، ادعا کرد که این زره مال اوست، نزد خلیفه دوم، طرح دعوا نمود. خلیفه دستور داد یا ابالحسن با خصم خود ایستاده شوید، امام متاثر شد و آثار ناراحتی بر امام نمایان شد، بعد از ختم جلسه خلیفه از امام جویای احوال شد بخاطر آن ناراحتی، امام فرمود بخاطر اینکه مرا با کنیه صدا کردی؛ ولی خصم را با اسم، چرا مساوات را رعایت نکردی؟ (قرشی، ۱۴۲۳ق، ج ۹، ص ۲۷). این فرمایش امام اشاره دارد به یکی از حقوق اساسی که امروزه مورد قبول است، که هر نوع تبعیض در تمام مراحل محاکمه بین اطراف دعوا، بخاطر اوصاف مربوط به اشخاص و نحوه برخورد قاضی با آنان ممنوع پنداشته شده است. (دانش، ۱۳۸۹، ص ۴۹۹).

یکی از موارد تطبیق و اجرای محوری، عدالت ورزی نسبت به بزه‌دیده است، که از اولویت نیز برخوردار است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: بهترین دادگری به فریاد ستمکش رسیدن است. (انصاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۲) در جای دیگر نیز می‌فرماید: کسی که با وجود توان و قدرت حق ستمدیده را از ستمگر نگیرد، گناهش اش بزرگ است. (همان، ج ۲، ص ۶۷۸) لذا در سیره امام علی علیه السلام عدالت محوری بعنوان اصل در تمام موارد و نسبت به تمام انسانها، بزه‌کار و بزه‌دیده به رسمیت شناخته شده است و از آنجای که بزه‌دیده قربانی جرم است و از پدیده مجرمانه آسیب و زیان بر او تحمیل گردیده، بیشترین بهره‌مندی را از تطبیق عدالت دارد. یعنی مطابق این اصل بزه‌دیده هم به حقوق خود می‌رسد و هم به بزه‌کار نباید ظلم شود.

۲-۲ احسان مداری

احسان در لغت یعنی نیکی کردن، نیکویی کردن در باره کسی و بخشش نمودن است. (عمید، ۱۳۷۸، ص ۸۲) مطابق این تعریف، هر گونه نیکی را احسان گویند، در ادبیات قرآنی و روایی نیز احسان به مفهوم مطلق نیکی و خوبی نمودن است. (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۴۴۳) (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۳۶) احسان مصادیق فراوانی همچون گرفتن دست ضعیف و نایینا برای عبور از جاده، تعلیم دادن افراد جاهل، و هر نوع نیکی مادی و غیر مادی را در بر می‌گیرد. (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۵، ص ۲۲۹)



در این میان دست گیر و نیکی کردن در حق بزه‌دیدگان از اهمیت زیاد برخوردار است و مورد تاکید است در روایت منسوب به امام علی علیه السلام آمده است: « برترین نیکی‌ها، درمانده را به فریاد رسیدن است.» (انصاری، بی‌تا، ص ۱۹۱)

دامنه احسان مداری در اندیشه امام علی علیه السلام آن قدر گسترده است که حتی بزهکاران را هم شامل می‌شود. زمانی که ابن ملجم بر امام جراحات می‌زند، امام علیه السلام در وصیتی به فرزندانش توصیه می‌کند: اگر من زنده ماندم، و ضربت ابن ملجم مرا از بین نبرد، من خودم ولی دم هستم. اما اگر به اثر این ضربت از دنیا رفتم شما ولی دم هستید، اگر عفو کردید برای من هم قابل پسند است، و برای شما هم حسنه و احسان، زیرا خداوند در قرآن امر به عفو می‌کند. (دستی، ۱۳۷۹، ص ۵۰۱) احسان مداری بیشتر از این قابل تصور نیست، کسی که امام را ضربت زده و امام را در بستر مرگ قرار داده، امام می‌گوید بخشش او بهتر است. وقتی بزهکار مورد عفو و احسان امام واقع شود بزه‌دیده که بعنوان مظلوم است، چگونه از احسان مداری امام علی علیه السلام بهره مند نشود؟ خوشبختانه شواهد زیادی در این قسمت وجود دارد، نقل شده امام علی علیه السلام از بازار خرما فروشان رد می‌شد، دختری را دید گریه می‌کند. سؤال کرد چرا گریه می‌کنی؟ گفت مولایم مرا فرستاده که خرما بخرم و خریدم و رفتم خانه؛ ولی قبول نکرد و حالا خرما فروش هم خرمایش را پس نمی‌گیرد، امام نزد خرما فروش رفت و فرمود خرمایت را بگیر و پولش را بده چون این دختر خادم است، آن مرد، رفتار نامناسی را در مقابل امام، از خود نشان داد. مردم علی علیه السلام را می‌شناختند، به خرما فروش گفتند، با امیرالمومنین علیه السلام این‌گونه برخورد می‌کنی؟ آن مرد خجالت کشید و خرما را گرفت و درهم را به کنیز بازگرداند و گفت یا امیرالمومنین من را عفو نما. امام در حقیقش دعا کرد. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۱۲)

روایت دیگر در از امام باقر علیه السلام نقل شده است، روزی امام علی علیه السلام به خانه‌اش آمد، دید خانمی منتظر آمدن امام است، امام جویایی احوال او می‌شود، خانم می‌گوید شوهرم به من ظلم کرده و قسم یاد نموده که مرا ضرب و شتم نماید. امام گفت صبر کن، برویم نزد شوهرت، خانم گفت غضب شوهرم بیشتر می‌شود، امام سرش را تکان داد و فرمود نه بخدا باید حق مظلوم گرفته شود، در هوای گرم همراه خانم به خانه‌اش رفت، شوهر بیرون آمد امام به او توصیه و امر به معروف نمود، ولی آن جوان به امام گفت، به شما ربط ندارد (نوع بی ادبی)، امام فرمود من تو را امر به نیکی و خوبی می‌کنم، ولی تو مرا با بدی استقبال می‌کنی، در این وقت مردم رد می‌شد، و بر امام سلام می‌کردند،

آن جوان امام را شناخت و از امام عذر خواهی نمود و امام هم وی را بخشید و توصیه به اخلاق مداری و رفتار نیک با خانواده اش نمود. (همان، ص ۱۰۶).

در این دو قضیه، امام نهایت احسان را به دو فرد انجام داده است که بزه دیده است و بزه دیدگی انواع مختلف دارد از جمله بزه دیدگی ناشی از ساختار اجتماعی که در این دو قضیه زنان بزه دیده از وضعیت نا به سامان اجتماعی بوده است.

۲-۳ مدد رسانی

مددکاری در زبان فارسی به مفهوم، یاری، کمک و فریادرسی است. (عمید، ۱۳۷۸، ص ۱۰۶۹) مددکاری امروزه بیشتر به تلاش های سازمان یافته و منظمی گفته می شود که با بسیج امکانات مادی و معنوی و جلب مشارکت، اعضای جامعه برای تامین نیازهای جمعی انجام می گیرد. (اصل، ۱۳۹۰، ص ۳) البته آسیب های وارده از بزه کاری نیز مشمول مدد کاری هست. به این معنی که افراد جامعه به عنوان عضوی از خانواده بر اساس توانائی ها و قابلیت های خود به کسانی که نیازمند تلقی می شود، خدمات ارایه کنند. مددکاری امری است که در صدر اسلام نیز وجود داشته است. دستگیری از فقرا و درماندگان، اظهار محبت و هم نشینی، رسیدگی به آنان از توصیه های پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ و قرآن کریم است؛ شخص پیامبر اکرم ﷺ، سخی ترین مردم بود، وقتی درهم و دینار و یا چیزی دیگری نزدش می ماند، تا آن را به محتاج و نیازمند نمی رساند، به خانه باز نمی گشت و با فقرا و مساکین نشست و ملاقات داشت، و با آنها صحبت و همکاری می کرد. (طباطبای، ۱۳۷۸، ص ۷۵) حضرت علی علیه السلام نیز که تربیت شده پیامبر اسلام ﷺ بود به این مهم توجه خاصی داشت که در ادامه به اقتضای موضوع بحث به مددکاری نسبت به بزه دیده در کلام و سیره ایشان اشاره می شود.

امام علی علیه السلام می فرماید: « کفار گناهان بزرگ به فریاد مردم رسیدن، و آرام کردن مصیبت دیدگان است. » (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۶۲۹) کسی که از شدت فقر آرامش ندارد، کسی که به خاطر بلایایی طبیعی آسیب دیده کمک می خواهد و یا فردی مورد ظلم و اجحاف واقع شده، امام می گوید توجه به یک نیازمند باعث آمرزش گناهان انسان است، بزه دیده نیز مصیبت دیده است و مصداقی از این توصیه است.

روزی امام علی علیه السلام به مردم چنین فرمود: « مردم را روزگار سختی در پیش است توانگران مال خود را سخت نگه دارند در حالی که به بخل ورزی دستور داده نشده، خدای سبحان فرموده بخشش میان خود را فراموش نکنید. بدان، در آنروز، بلند مقام و نیکان خوار گردد و با درماندگان به ناچاری خرید و فروش می کند در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از معامله با درماندگان نهی فرموده. » (دستی، ۱۳۷۹، ص ۷۴۱) در این سخن امام، جامعه‌ای را به تصویر می کشد که اصول و ارزشهای اسلامی در آن سقوط نموده و به نیازمندان توجهی نمی شود، این جامعه معیارهای انسانی خود را از دست داده است.

روایت شده مرد کور و سالخورده‌ای در حالی سؤال و گدائی از کنار امام گذشت، امام سؤال نمود این کیست؟ گفتند ای امیر مؤمنان مرد نصرانی است. گفت: از او کار کشیدید چون پیر و ناتوان شد، او را رها کردید! از بیت المال خرج او را بدهید. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۹۳) امام نگفت این شخص نصرانی است بلکه فقط همین که نیازمند هست، و نمی تواند تامین معاش نماید، امام از بیت المال هزینه می کند، در واقع بهترین مورد برای به مصرف رساندن اموال عمومی رسیدگی به نیازمندان است که زندگی شان، بسته به این کمک‌ها می باشد. در واقع داستان پیرمرد یادشده بیانگر اهتمام امام به بزه‌دیدگانی است که بزه‌دیدگی آنها ناشی از عملکرد و ساختار حکومت و قدرت است. اینها فرودستانی هستند که طبقات فرادست و دارای قدرت جامعه هیچگاه آنان را به حساب نمی آورند. امام علی علیه السلام در همین رابطه می فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى.» (رضی، ۱۴۱۴، ص ۳۷۷): خدا را خدا را در خصوص طبقه پایین و محروم جامعه، که هیچ چاره ندارد، که عبارتند از زمین گیران، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان. همانا در این طبقه محروم گروهی خویشتن داری کرده، و گروهی به گدایی دست نیاز بر می دارد، پس برای خدا پاسدار حق باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است: بخش از بیت المال، و بخش از غله‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهر به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دور ترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان حق مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن می باشی. مبادا سر مستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد، که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم عذر برای ترک مسئولیت‌های کوچک نخواهد بود. همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی بر مگردان، به ویژه امور کسانی از آنان را بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی آیند و دیگران آنان را کوچک می شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. برای



این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خدا ترس و فروتنند فرد را انتخاب کن، تا پیرامون شان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کنند. سپس در رفع مشکلات شان به گونه عمل کن که در پیشگاه خداوند عذر داشته باشی، زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند، و حق آنان را به گونه بپرداز که در نزد خدا معذور باشی، از یتیمان خرد سال، و پیران سالخورده که راه چاره ندارند. و دست نیاز بر نمی دارند، پیوسته دلجوئی کن که مسئولیت سنگین بر دوش زمامداران است. (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۸۳)

قسمتی از نامه ۵۳ نهج البلاغه است که امام به مالک اشتر در وقت اعزام او به جانب مصر نوشته است، با اینکه طولانی هست، ولی نکات مهم و جالب را بیان کرده از جمله اینکه اختصاص بودجه از اموال عمومی برای این طبقه، که تخصیص بودیجه عنصری کلیدی در مددکاری می باشد، در عصر فعلی درست که بعضی کشورها برای طبقه محروم و نیازمندان بودیجه اختصاصی دارد، اما در آن زمان که امام علی علیه السلام این فرمایش را ایراد نموده، یعنی هزار و سه صد سال قبل هیچ حکومت و تمدنی این امتیاز و طرز العمل را نداشته است. (مغنیه، پیشین، ج ۴، ص ۱۰۰).

از این فراز طولانی بدست میاید، که در حکومت علوی مددکاری نسبت به بزه دیدگان ساختاری ناشی از عملکرد حکومت‌های پیشین - یک امر سازمان یافته، و مترقی بوده است، مسئولیت والی در راس حکومت جدی‌تر از دیگران تعیین گردیده، تعیین و تخصیص بودجه برای رفع نیازهای این طبقه، گزینش افراد مورد اعتماد برای رفتن در محل و احوالگیری از مستضعفان، این نهایت خدمت رسانی می باشد.

از جلوه‌های دیگر مددکاری برای بزه دیدگان تامین زنان و کودکان بی سرپرست، جمع کردن کودکان خیابانی و مداخله در هر نوع بحران که افراد آسیب پذیر جامعه در معرض آن قرار دارد، است که در قوانین کشورها و نیز کنوانسیون‌های بین المللی تحت عنوان مددکاری برای بزه دیدگان به رسمیت شناخته شده است. (اعتباری، ۱۳۹۶، ص ۱۷) این مهم به وضوح در سیره و کلام امام علی علیه السلام دیده می شود. علاوه بر فراز قبلی در کلمات دیگر امام نیز مشاهده می شود، در مورد کودکان یتیم آنجا که فرمود: خدا را خدا را در باره یتیمان، نکند آنان گاهی سیر و گاه گرسنه بماند. (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۵۹) هم چنین امام در وصف حکومت خود فرمود: همه مردم کوفه از رفاه برخوردارند پایین ترین آنها (فقیران) نان گندم می خورند و سر پناه مناسب دارند و از آب (سالم) فرات

می‌نوشند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۰، ص ۳۲۷) این نتیجه تدابیر، رسیدگی و مددکاری نظامند حکومت علوی به طبقه آسیب پذیر جامعه است. لذا توجه می‌شود که مددکاری نسبت به بزه‌دیدگان بعنوان یک اصل مهم در سیره عملی امام علی علیه السلام قابل مشاهده است.

۴-۲ ظلم ستیزی

مبارزه با ظلم از شعارها و رسالت تمام فرستادگان الهی است، در جامعه انسانی که شریعت الهی حاکم باشد، ضعیف حق دفاع و حق داد خواهی دارد، و حرفش شنیده می‌شود، و ظالم محکوم و منفور است، و حقوق دیگران از گلویش کشیده می‌شود؛ اما در قوانین غیر دینی حرف حق همیشه با ظالم است هر آنچه که ظالم بخواهد، بزه‌دیدگان و مظلومان برای همیشه مظلوم است و کسی نیست که وی را یاری کند، تفاوت قانون در جامعه سالم و جامعه بهم ریخته در همین است، لذا ظلم ستیزی و مبارزه با ظالم شاخصه اصلی قوانین الهی بصورت عموم، و سیره امام علی علیه السلام بعنوان زبان گویای شریعت و احکام الهی می‌باشد. (مغنیه، پیشین، ج ۱، ص ۲۴۱) باید دانست که ظلم ستیزی امام علی علیه السلام با این شدت و جدیت، از روی هوا و هوس شخصی یا خوی و اخلاق فردی نیست، بلکه عین اسلام است از همان صدر اسلام، وقت وحی نازل می‌شد، ظلم ستیزی و دفاع از مظلومین مورد تاکید بود. در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا.» (النساء، (۴): ۷۵) چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که بدست ستمگران تضعیف شدند پیکار نمی‌کنید، همان افراد ستم‌دیده که می‌گویند خدایا ما را از این شهر که اهلش ستم‌گرند بیرون ببر و از طرف خود برای ما سر پرست قرار ده و از جانب خود برای ما یار و یاور تعیین فرما.

و نیز در کلمات منسوب به پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله ظلم ستیزی مورد تاکید قرار گرفته است، که امام علی علیه السلام در نامه‌ها و خطبه‌های خود، در مورد ظلم ستیزی به قول پیامبر صلی الله علیه و آله تمسک می‌کند، از جمله در نامه ۵۳ نهج البلاغه وقت مالک اشتر را در مورد محرومین و مظلومین توصیه می‌کند به قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله استشهاد می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: امت که حق ضعیفان را از زورمندان با صراحت نگیرد هرگز پاک نمی‌شود و روی سعادت را نمی‌بیند. (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۵۸۵)



در مورد دیگر امام علی علیه السلام در نکوهش سلطان ظالم حرف خود را مستند به بیانات رسول اکرم صلی الله علیه و آله می کند: بدترین مردم نزد خدا، رهبر ستمگری است که خود گمراه و مایه گمراهی دیگران است، که سنت پذیرفته را بمیراند، و بدعت ترک شده را زنده گرداند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که روز قیامت ظالم را می آورد، برای او یاور و پوزش طلب وجود ندارد، پس در آتش جهنم انداخته می شود. (دستی، ۱۳۷۹، ص ۳۰۹)

با اینکه ظلم ستیزی آموزه قرآنی و نبوی است در زمان حاکمیت خلفاء ثلاثه ظلم صاحبان قدرت و نزدیکان حاکمیت مورد توجه نبود، امام ظلم ستیزی را از حاکمیت و صاحبان قدرت شروع نمود، از سوی دیگر خلافت امام علی علیه السلام، در بدترین شرایط فرهنگی و اجتماعی بود، چون ظلم نزدیکان قدرت در عصر زمامداری خلیفه سوم فرهنگ عمومی گردیده بود، به گفته بعض دانشمندان، واقعا این درد آسف انگیز است که علی علیه السلام سومین خلیفه نشد. علی علیه السلام آمد که نظریه اسلام را در باره حکومت از نو در دل فرمانداران و توده ملت وارد و عملی سازد در حالی که خودش نان جوینی را بخورد که آرد آنرا همسرش با دست خود تهیه می کرد. (سید قطب، ۱۳۵۲، ص ۳۷۸) اما واقعیت این بود که در مدت بیست و پنج سال انواع ظلمها و تبعیضها جریان داشت، سران قبایل به امتیازگیری و ستمکاری عادت کرده بود، بزرگان مسلمین که بخاطر اسلام و شرکت در غزوات صدر اسلام صاحب نام و آبرو شده بود، بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، آن ارزشهای صدر اسلام را فراموش کردند، دین و مقامات معنوی را وسیله ساختند برای امتیاز طلبی دنیوی، نظام قبیلوی دوباره قدرت گرفت، ظلم و ستم تبدیل به یک امر مشروع و حق مسلم برای ستمکاران شده بود، لذا امام علی علیه السلام مبارزه با ظلم را از جزیره های قدرت شروع نمود.

وقتی امام علی علیه السلام موقف خود را در مورد اداره کشور، به خصوص تقسیم بیت المال اعلام کرد، مخالفتها و اعتراضها بلند شد، تعدادی از یاران امام پیشنهاد دادند که امام کوتاه بیاید و حداقل برای مدتی برتری برای عده قابل شود، عرب و به خصوص قریش را بر دیگران و موالی بیشتر مورد توجه قرار دهد، و در باره معاویه هم مدت وی را در شام بعنوان والی ابقاء نماید؛ اما امام فرمود: « شما به من امر می کنید که من ظفر، دوام و بقاء حکومت ام را با ظلم بدست بیاورم، هرگز امکان ندارد،

حتی اگر این اموال از خودم بودی بین شان مساویانه تقسیم می‌کردم چه رسد که این مال مال خداست و برای هم مساویانه می‌رسد.» (تقفی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۷۵)

امام در جای دیگر فرمود: آنگاه که همه از ترس سست شده، کنار کشیدند، من قیام کردم، و آنگاه که همه خود را پنهان کردند من آشکارا به میدان آمدم، و آن زمان که همه لب فرو بستند، من سخن گفتم، و آن وقت که همه باز ایستادند من با رهنمای نور خدا راه افتادم. در مقام حرف و شعار صدایم از همه آهسته‌تر بود اما در عمل برتر و پیشتاز بودم، زمام امور را به دست گرفتم، و جلوتر از همه پرواز کردم، و پاداش سبقت در فضیلت‌ها را بردم. همانند کوهی که تند بادها آن‌را به حرکت در نمی‌آورد... خوارترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را باز گردانم، و نیرومند در نظر من پست و ناتوان است تا حق را از او باز ستانم. (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۹۱) مبارزه با ظلم، خصوصا مبارزه با ظلم اقتصادی و نهادینه ساختن برابری، بین شریف و وضع در تقسیم بیت المال بزرگ‌ترین مشکل و یگانه مانع برای حکومت امام علی علیه السلام بود، نتیجه‌اش هم شکست ظاهری حکومت امام در برابر طمع سران قبایل و معاویه بود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱، ص ۱۳۳) در دنیای سیاست، رسم بر این است که بقائی قدرت و دوام حکومت برای صاحبان قدرت مهم است، برای حفظ قدرت در اجرای حدود الهی انعطاف پذیری نشان می‌دهند، تا محکم شدن پایه‌های قدرت و زمام داری، این روش از سیاست‌مداری در اول خلافت امام علی علیه السلام طرح شد، از جمله کسی بنام مغیره به امام گفت طلحه را به یمن و زبیر را بحرین و معاویه را به شام تعیین کن، تا کارهایت رو براه شود بعد از آن هرچه خواستی بکن؛ ولی امام به شدت رد نمود. (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۸۰) امام علی علیه السلام هیچ وقت در مقابل ظلم و معطل ماندن حدود الهی و تبعیض بین افراد جامعه، از خودش انعطاف نشان نداد؛ اما در مقابل رعیت و طبقه پایین جامعه نهایت تواضع در سیره امام علی علیه السلام به ثبت رسیده است.

ظلم ستیزی و مبارزه با ظلم، هزینه می‌خواهد اگر حاکمیت نوپا باشد، هزینه سنگین‌تر است، امام علی علیه السلام از روز اول بدست گرفتن قدرت شروع کرد به ظلم ستیزی و جالب اینکه همانجا فرمود این ظلم ستیزی و مبارزه با نا برابری‌ها پیامد دارد، ولی من پیامدهای آن را هرچه باشد، قبول می‌کنم؛ اما تحمل ظلم را ندارم. این بحث به این مهم ربط پیدا می‌کند که آیا هدف وسیله را مجاز می‌کند یا خیر؟ در سیره امام علی علیه السلام و مکتب اسلام بصورت کلی برای رسیدن به هدف مقدس باید با وسیله مجاز مسیر را پیمود؛ مگر موارد خاص. (مبغی، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۴۰۹) لذا امام مطابق این اصل

برای دوام قدرت به امید اینکه بعد از استوار شدن پایه‌های دولت فساد را از بین می‌برم، با ظلم و فساد کنار نیامد بلکه از همان ابتدا شروع به مبارزه نمود.

امام فرمود: **الدَّلِيلُ عِنْدِي غَرِيْبٌ حَتَّىٰ آخَذَ الْحَقَّ لَهُ وَ الْقَوِيُّ عِنْدِي ضَعِيْفٌ حَتَّىٰ آخَذَ الْحَقَّ مِنْهُ** بعد این فراز دومی را ایراد کرده این دوم ادامه و به نوع معلول فراز اول است، که امام فرمود من از مظلوم حمایت می‌کنم و با ظالم ستیز، مشکلات و پیامدهای آن را به جان می‌خرم که بعضی از دانشمندان این دومی را تایید می‌کند، زیرا لحن روایت و رابطه بین این دو فراز، مقتضی این است که امام گفته من باید به عدالت رفتار کنم، حتی اگر دچار بزرگترین مشکلات شوم هم اشکال ندارد. (مکارم، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۹۳) درست که اکثر روایات مخصوص به بزه‌دیده نیست، ولی مهم‌ترین مصداق برای ظلم ستیزی، حمایت از بزه‌دیدگان است چون غالباً بزه‌دیده مظلوم واقع می‌شود بناً بوضوح بدست می‌آید که ظلم ستیزی یکی از اصول مواجهه با بزه‌دیده می‌باشد.

نتیجه و پیشنهاد

از جمله مباحثی که در واکاوی آموزه‌های اسلامی در حوزه بزه‌دیده شناسی حایز اهمیت است استکشاف مبانی و اصول مواجهه با بزه‌دیده است که در این مقاله این مهم تنها در کلام و سیره امام علی علیه السلام آنهم بیشتر در ارتباط با بزه‌دیدگان مورد بحث قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در اندیشه امام علی علیه السلام مولفه‌های زیادی می‌تواند بعنوان مبانی و اصول، سازنده، زیر بنای مواجهه و نحوه برخورد با بزه‌دیدگان واقع شود که این مولفه‌ها بعنوان معیار و ترازو برای جهت دهی رفتار یک زمامدار و یا یک انسان ارزش مدار در مقابل نا برابری‌های جامعه و تطبیق عدالت و ارزشهای انسانی مورد استفاده قرار گیرد. بر این اساس مهمترین مسأله در سیره امام علی علیه السلام همان عدالت خواهی و ایستادگی در برابر هر نوع ظلم و نا به سامانی، احساس مسئولیت در قابل جامعه، همدلی و همدردی و همبستگی است که در ضمن عناوین چند گانه مطرح گردید. که این مجموعه می‌تواند بعنوان یک سلسله راهبردهای کلی در خصوص بزه‌دیدگان، باعث پدید آمدن بهترین نظام در برابر بزه‌دیدگی گردد.

بدیهی است استکشاف و استخراج دیدگاه امام علی علیه السلام در خصوص بزه‌دیدگان با توجه با سهم و نقش آنها در وقوع بزه و بحسب نوع بزه‌دیدگی آنها امری نیست که در گنجایش یک مقاله باشد و

پژوهش‌های گوناگونی را می‌طلبد. نیز مقایسه این یافته‌ها با آنچه در قوانین و مقررات و اسناد و اعلامیه‌های بین‌المللی انعکاس یافته است می‌تواند دیدگاه‌های ارزشمندی فراروی دانشمندان و سیاست‌گزاران و قانون‌گزاران قرار دهد.





منابع

قرآن کریم

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹ ش، ترجمه: محمد دشتی، قم: موسسه انتشارات مشهور.
۱. ابن ابی الحدید، عزالدین، ۱۴۰۴ ق، شرح نهج البلاغه، چاپ اول، قم: مکتبه ایه الله مرعشی نجفی.
 ۲. ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ ق، المناقب لابن شهر آشوب، چاپ اول، قم: نشر علامه.
 ۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار الصادر.
 ۴. اصل، محمد زاهدی، ۱۳۹۰ ش، مددکاری اجتماعی، چاپ اول، تهران: نشر علم.
 ۵. اصلی مهرداد رایجیان، ۱۳۹۰ ش، بزه دیده شناسی حمایتی، چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.
 ۶. انصاری، محمد علی، بی تا، ترجمه غرر الحکم، تهران: بی نا.
 ۷. آصفی، محمد مهدی، ۱۴۲۶ ق، الاجتهاد والتقلید و سلطات الفقیه و صلاحیاته، چاپ چهارم، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
 ۸. بروجردی، سید حسین طباطبایی، ۱۴۲۹ ق، منابع فقه شیعه، مترجمان: حسینیان قمی، مهدی - صبوری، محمد، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
 ۹. تهاونی، محمد علی بن علی، ۱۹۹۶ م، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، اول، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
 ۱۰. ثقفی، ابراهیم بن محمد کوفی، ۱۴۱۰ ق، اغارات، چاپ اول، قم: دار الکتاب.
 ۱۱. جعفریان، رسول، ۱۳۸۸ ش، تاریخ و سیره سیاسی امیر مومنان علی بن ابیطالب، چاپ پنجم، قم، انتشارات دلیل ما.
 ۱۲. حقیقت، سید صادق، ۱۳۸۵ ش، مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلام.
 ۱۳. حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی و علی حکیمی، ۱۳۸۰ ش، الحیاة، (ترجمه آرام)، چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 ۱۴. خوبی، حبیب الله هاشمی، ۱۴۰۰ ق، منهج البراعه فی شرح نهج البلاغه، چاپ چهارم، ترجمه: حسن زاده املی، تهران: مکتبه الاسلامیه.



۱۵. دانش، سرور، ۱۳۸۹ش، *حقوق اساسی افغانستان*، چاپ اول، کابل: انتشارات موسسه تحصیلات عالی ابن سینا.
۱۶. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۷ش، *لغتنامه*، تهران: سیروس.
۱۷. رزق، خلیل، *مجتمع العدالة فی نهج البلاغه*، ۲۰۰۱م، بی‌جا، دار الولااء لطباعه و النشر.
۱۸. زمخشری، محمود بن عمر، ۱۹۷۹م، *اساس البلاغه*، بیروت: دار الصادر.
۱۹. سید قطب، ۱۳۵۲ش، *عدالت اجتماعی در اسلام*، چاپ هشتم، ترجمه: سید هادی خسرو شاهی و محمد علی گرامی قمی، تهران: شرکت سهامی انتشارات.
۲۰. شهیدی، سید جعفر، ۱۳۷۸ش، ترجمه نهج البلاغه، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۲۱. شهیدی، سید جعفر، ۱۳۹۰ش، *زندگانی امیر مومنان علی علیه السلام*، چاپ سی و پنجم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۲. شیرازی، ناصر مکارم، ۱۳۷۵ش، *پیام امام شرح تازه و جامع بر نهج البلاغه*، چاپ اول، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۸ش، *سنن النبی*، چاپ هفتم، تهران: اسلامیه.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۵. طریحی، فخر الدین، ۱۴۱۶ق، *مجمع البحرین*، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ق، *تهذیب الأحکام*، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، *الأمالی (للشیخ الطوسی)*، قم: دار الثقافة.
۲۸. عاملی، محمد بن حسن حر، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲۹. عمید، حسن، ۱۳۷۶ش، *فرهنگ فارسی عمید*، چاپ دهم، تهران: چاپخانه سپهر.
۳۰. قرشی، باقر شریف، ۱۴۲۳ق، *موسوعه امیر المومنین علی بن ابیطالب علیه السلام*، چاپ اول، قم: موسسه الکوثر.
۳۱. کاتوزیان، ناصر، *مقدمه علم حقوق*، تهران: انتشار، سی و ششم، ۱۳۸۲.
۳۲. کوفی، احمد بن اعثم، ۱۹۹۱م، *الفتوح*، چاپ اول، بیروت، دار الاضواء.



۳۳. مبلغی، احمد، ۱۳۸۰ش، هدف و وسیله، دانشنامه امام علی علیه السلام، زیر نظر علی اکبر رشاد، تهران: سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۴. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷ش، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، چاپ هشتم، قم: صدرا.
۳۶. مغنیه، محمد جواد، ۱۳۵۸ش، فی ظلال نهج البلاغه، بیروت: دارالعلم للملایین.
۳۷. منقری، نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ق، وقعه الصفین، چاپ دوم، قم: منشورات مکتبه مرعشی نجفی.
۳۸. نوری، حسین، مستدرک الوسایل، ۲۸ج، موسسه آل البیت، قم، اول، ۱۴۰۷ق.
۳۹. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، بی تا، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار الصادر.
۴۰. اعتباری، محمد سجاد، جایگاه مددکاری اجتماعی در حمایت از کودکان بزه دیده و بزهکار، فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶ش، صص ۲۸-۱۷.
۴۱. توجهی، عبد العلی، سیاست جنایی حمایت از بزه دیدگان، فصلنامه مجتمع آموزش عالی قم، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۸ش، صص ۲۷-۴۶.
۴۲. حاجی ده آبادی، محمد علی و سید احسان حایری، بررسی هزینه های جرم با نگرش اسلامی، فصلنامه حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۴، بهار ۱۳۸۹ش، صص ۶۰-۳۳.
۴۳. علیخانی، علی اکبر، کرامت انسانی در سیره سیاسی امام علی، فصلنامه فرهنگ، شماره ۲۷ و ۲۸، ۱۳۷۷، صص ۲۲۸-۲۱۵.